

اهمیت نقش آموزش در ارتقا دانش و مهارت‌های اصناف

داود چراغی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

ایران

اساساً رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کشوری، بیش از هر چیز مرهون توجه جدی آن کشور به سرمایه‌گذاری در آموزش، پژوهش و تحقیقات است. براین اساس پیش‌بینی می‌شود، در دهه‌های آینده تنها کشورهایی به معنای واقعی توسعه می‌یابند که سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای افزایش دانش عمومی و تخصصی اقشار مختلف جامعه را تأمین و تضمین نمایند. در واقع هر کشوری برای نیل به استقلال واقعی و تسلط بر سرنوشت خویش راهی جز افزایش دانش آحاد مختلف مردم ندارد و این امر با نهادینه شدن آموزش، تحقیق و پژوهش در جامعه و بهره‌گیری از نتایج موثر و مثبت آنها تحقق خواهد یافت. در نتیجه برای دستیابی به اقتصادی پویا، پایدار و توسعه‌یافته (البته همراه با حفظ آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی ملی و مذهبی کشور)، باید طوری سیاست‌گذاری کرد که نخست نهادها، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی، بدنبال افزایش سطح دانش کارکنان از طریق آموزش‌های ضمن خدمت باشند، دوم آنکه برنامه‌ریزی بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت رشد و توسعه خرد و کلان کشور را با توجه به مطالعات و تحقیقات صورت گرفته، در دستور کار داشته باشند.

در این ارتباط توسعه آموزش‌های عمومی و تخصصی فعالان اقتصادی کشور، باید در جهت بهبود عرضه و تقاضای اقتصاد کشور صورت پذیرد. در ارتباط با سمت عرضه اقتصاد، لازم است آموزش و پژوهش برای افزایش کمی و کیفی تولید کالاها و خدمات و به تبع آن افزایش اشتغال نیروی کار فعال صورت گیرد، در سمت تقاضای اقتصاد کشور نیز آموزش و پژوهش برای توجه به حقوق مصرف‌کنندگان توسط تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان مدنظر قرار گیرد. چراکه مطالعات و تحقیقات نشان می‌دهد، اقتصاد ایران، توان و پتانسیل بالایی برای افزایش تولید و به تبع آن افزایش اشتغال مولد نیروی کار فعال کشور در بخش‌های مختلف به خصوص در زنجیره تأمین و توزیع کالاها و خدمات دارد. در این بین بخش عمده‌ای از زنجیره تأمین و توزیع کالاها و خدمات در ایران، توسط واحدهای صنفی زیرمجموعه اصناف انجام می‌گیرد. بر این اساس بهبود کمیت و کیفیت کالاها و خدمات تولیدی و توزیعی واحدهای صنفی، یکی از پیش‌نیازهای بهبود عرضه در اقتصاد کشور است که بدون

افزایش سطح دانش عمومی و تخصصی کارکنان بنگاه‌های تولیدکننده و توزیع‌کننده کالاها و خدمات اصناف، تحقق نمی‌یابد. البته باید توجه داشت که افزایش سطح دانش فعالان تولید و عرضه کالاها و خدمات، مزیت‌هایی همچون بهبود رفتار بنگاه‌ها با مصرف‌کنندگان نیز به همراه دارد. این امر به خصوص با افزایش رقابت در فضای فعالیت اصناف، آشنایی آنها با علوم مرتبط با بازاریابی از جمله تکنیک‌ها و روش‌های مرتبط با مشتری‌مداری، گسترش بیشتری می‌یابد.

بدین ترتیب، توجه به آموزش برای ایجاد و افزایش سطح دانش و مهارت‌های عمومی و تخصصی نیروی کار از ضرورت‌ها و الزامات رشد و توسعه اقتصادی کشور است. در این میان همان‌گونه که اشاره شد، یکی از بخش‌های اقتصادی مهم کشور که افزایش سطح دانش فعالان آن از ضرورت زیادی برخوردار است، اصناف و فعالان صنفی می‌باشند. قابل ذکر است اصناف در طیف وسیعی از فعالیت‌ها از تولید تا توزیع کالا و خدمات در مناطق مختلف کشور و در بیش از دو و نیم میلیون بنگاه صنفی تولیدی، توزیعی، خدماتی و خدمات‌فنی فعالیت دارند. در این ارتباط یکی از فعالیت‌های مصوب سازمان‌ها و تشکل‌های صنفی در قانون نظام صنفی، انجام فعالیت‌های مختلف برای افزایش سطح دانش و مهارت اصناف زیرمجموعه از طرق مختلف از جمله آموزش عمومی و تخصصی آنها می‌باشد، که این آموزش‌های عمومی و تخصصی اصناف، نقش بسیار مهمی در افزایش سطح دانش نیروی انسانی متقاضی فعالیت در اصناف و فعالان این بخش دارد.

شایان ذکر است آخرین آمار و اطلاعات مربوط به بنگاه‌های عمده‌فروشی و خرده‌فروشی کالاها و خدمات و فروش، نگهداری و تعمیر وسایل نقلیه موتوری و توسط مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۸۳ حدود ۱۰/۳۲ درصد مدیر بنگاه‌های عمده‌فروشی و خرده‌فروشی کالا و خدمات و فروش، نگهداری و تعمیر وسایل نقلیه موتوری و ... بی‌سواد، ۵۴/۶۷ درصد تحصیلات کمتر از دیپلم، ۳۰/۶۲ درصد دیپلم و فوق‌دیپلم و تنها حدود ۴/۳۸ درصد دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر بوده‌اند. بطوریکه کمتر از ۶۵ درصد این افراد سوادی کمتر از دیپلم و بیش از ۹۵ درصد کمتر از فوق دیپلم بوده‌اند.

در سال ۱۳۸۳ از ۴/۵۱ درصد از مدیران عمده‌فروشی کالا و حق‌العمل‌کاری بی‌سواد، ۴۷/۴۸ درصد از آنها تحصیلات کمتر از دیپلم، ۳۹/۳۶ درصد آنها دیپلم و فوق‌دیپلم و ۸/۶۵ درصد نیز دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر از لیسانس بوده‌اند. در فعالیت‌های خرده‌فروشی کالاها و خدمات نیز در این سال ۱۱/۸۹ درصد مدیران این بنگاه‌ها بی‌سواد، ۵۱/۷۳ درصد تحصیلات کمتر از دیپلم،

۳۱.۸۸ درصد نیز دیپلم و فوق دیپلم و تنها ۴.۵ درصد از آنها تحصیلات لیسانس و بالاتر داشته‌اند. در این بین باید توجه داشت که شاغلین بنگاه‌های عمده‌فروشی و خرده‌فروشی کالاها و خدمات، باید علاوه بر دارا بودن تحصیلات عمومی، همچون شاغلین این‌گونه فعالیت‌ها در اکثر کشورها به خصوص کشورهای توسعه یافته، تحصیلات تخصصی در حوزه کار مربوطه نیز داشته باشند. بطوری‌که در همه فعالیت‌ها، لازمه شروع بکار افراد در ایجاد بنگاه‌ها و یا بعنوان کارگر و کارمند در کارگاه‌های دیگران، داشتن گواهینامه‌های تحصیلات عمومی و تخصصی با توجه به فعالیت مربوطه، ضروری است. برای این اساس لازم است هرچه زودتر اقدامات لازم برای افزایش سطح دانش و سواد عمومی و تخصصی فعالان و شاغلان مختلف کشور و به خصوص اصناف صورت پذیرد.